

# اهمیت اخلاق؟

روسای جمهور و سیاست خارجی آمریکا

از فرانکلین روزولت تا ترامپ

نگارش: جوزف نای

ترجمه: مجتبی امیری وحید



سرشناسه:  
عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:  
مشخصات ظاهری:  
شابک:  
وضعیت فهرست‌نویسی:  
یادداشت:

عنوان دیگر:

موضوع:  
موضوع:  
موضوع:  
موضوع:  
موضوع:  
موضوع:

شناسه افزوده:  
رده‌بندی کنگره:  
رده‌بندی دیویی:  
شماره کتابشناسی ملی:

نای، جوزف، ۱۹۳۷ / Nye, Joseph S /  
اهمیت اخلاق: (رؤسای جمهور و سیاست خارجی آمریکا از فرانکلین روزولت تا ترامپ) / نگارش: جوزف نای، ترجمه: مجتبی امیری وحید.  
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹.  
۴۰۰ ص.

ISBN 978-964-325-590-9

فیبا.

عنوان اصلی: Do morals matter?: presidents and foreign policy from FDR to Trump, 2020

نقش اخلاق در پیشبرد سیاست خارجی آمریکا: رؤسای جمهور و سیاست خارجی روزولت تا ترامپ.

رؤسای جمهور -- ایالات متحده -- اخلاق حرفه‌ای

Professional ethics -- United states Presidents --

رؤسای جمهور -- ایالات متحده -- تصمیم‌گیری

Decision makin Presidents -- United states

ایالات متحده -- روابط خارجی -- ۱۹۴۵-۱۹۸۹ م -- جنبه‌های اخلاقی

United states -- Foreign relations -- 1945-1989 --

Moral and ethical aspects

امیری، مجتبی، ۱۳۳۶ - مترجم

EY44

۳۲۷/۷۳۰۰۹۰۴

۷۴۳۶۰۳۷

## اهمیت اخلاق؟

رؤسای جمهور و سیاست خارجی آمریکا از فرانکلین روزولت تا ترامپ

نگارش: جوزف نای

ترجمه: مجتبی امیری وحید

چاپ اول: ۱۳۹۹

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپخانه حیدری: ۵۰۰ نسخه

۸۰۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

## فهرست

گفت مترجم ... ۵

دیباچه نویسنده ... ۱۱

**بخش نخست: سنت‌های اخلاقی آمریکا ... ۱۹**

استثنا‌نگاری آمریکایی ... ۲۱

لیبرالیسم ویلسونی ... ۲۵

نظم لیبرال جهانی پسا ۱۹۴۵ ... ۲۸

**بخش دوم: سیاست خارجی اخلاقی چگونه است؟ ... ۳۷**

چگونه بر پایه اصول اخلاقی داوری کنیم؟ ... ۳۹

استدلال اخلاقی سه بعدی ... ۴۲

برخوردهای دوگانه و دست‌های ناپاک ... ۴۴

تأثیر اخلاقی نهادها: کنش متقابل و انصاف ... ۵۱

دروغ‌گویی، خطرپذیری و ابزارهای فریبکاری ... ۵۴

نقشه‌های ذهنی از جهان و سیاست خارجی اخلاقی ... ۶۰

رنالیسم (واقع‌بینی) ... ۶۰

جهان میهنی ... ۶۳

لیبرالیسم ... ۶۶

موضوع مداخله [در امور و قلمرو حاکمیت کشورهای مستقل] ... ۶۹

بهترین گزینه اخلاقی با نگرش به اوضاع و احوال: کارنامه امتیازدهی اخلاقی ... ۷۳

**بخش سوم: بنیانگذاران آمریکا ... ۸۷**

فرانکلین روزولت ... ۹۳

#### ۴ اهمیت اخلاق؟

هری ترومن ... ۱۰۴

دوایت آیزنهاور ... ۱۱۶

#### بخش چهارم: عصر ویتنام ... ۱۳۱

جان اف کندی ... ۱۳۷

لیندون جانسون ... ۱۴۸

ریچارد نیکسون ... ۱۵۹

#### بخش پنجم: عصر سیاست صرفه‌جویی پسا ویتنام ... ۱۷۵

جرالد فورد ... ۱۷۹

جیمی کارتر ... ۱۸۶

#### بخش ششم: پایان جنگ سرد ... ۲۰۳

رونالد ریگان ... ۲۰۷

جرج بوش ... ۲۱۸

#### بخش هفتم: لحظه تک قطبی ... ۲۳۱

ویلیام جفرسون کلینتون ... ۲۳۵

جرج واکر بوش ... ۲۴۸

#### بخش هشتم: سده بیست و یکم، جابه‌جایی‌های قدرت ... ۲۶۷

باراک حسین اوباما ... ۲۷۱

دونالد ترامپ ... ۲۸۷

#### بخش نهم: سیاست خارجی و گزینه‌های آینده ... ۳۰۹

ارزیابی سیاست خارجی اخلاقی از ۱۹۵۴ به این سوی ... ۳۱۱

هوش متنی و گزینه‌های اخلاقی ... ۳۱۸

فراز و نشیب سنت‌های اخلاقی آمریکایی ... ۳۲۶

چالش‌های آینده سیاست خارجی اخلاقی ... ۳۳۱

ظهور چین ... ۳۳۳

فن‌آوری، بازیگران فراملی و آشفتگی ... ۳۴۳

تبدیل قدرت و تهدید درون‌زا ... ۳۵۳

برآیندها ... ۳۶۱

یادداشت ... ۳۶۷

## بنام خداوند جان و خرد

### گفتِ مترجم

در یوم النحس ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا با انگیزش وزیرخارجه‌اش به یکی از جنایت‌های شنیع و رذل دوران ریاست جمهوری خود دست زد و با به شهادت رساندن سردار دل‌ها قاسم سلیمانی و یارانش، میلیون‌ها انسان را در سراسر ایران و شماری را نیز در خارج از ایران به سوگ نشاند. دولت ترامپ برای درست‌انگاری تبهکاری خود مشتی دروغ دستاویز قرار داد و ترور سردار سلیمانی را کاری برای پیشگیری از حمله زود هنگام آن شهید به نیروهای آمریکایی اعلام کرد. ولی دولت ترامپ و وزیرخارجه‌اش، هرگز مدرک و توضیح قانع‌کننده‌ای درباره چرایی تهدید زود هنگام از سوی آن شهید ارائه نکردند و از این‌رو، در همراه ساختن جامعه جهانی و یا حتی قانون‌گذاران آمریکایی با خود، ناکام ماندند. به گفته روزنامه واشنگتن تایمز، دولتمردان کاخ سفید پس از ترور سردار سلیمانی، تلاش کردند تا مسائلی را دستاویز کردار تبهکارانه خود قرار دهند که برای شمار چشمگیری از نمایندگان و سناتورهای آمریکایی پذیرفتنی نبود. به گفته، الیوت انگل، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا: انگیزه‌های دولت ترامپ در آوده شدن به ترور سردار سلیمانی بیانگر هیچ‌گونه کردار مخاطره‌آمیز زود هنگام از

## ۶ اهمیت اخلاق؟

سوی سردار سلیمانی نبود، بدتر از آن، نشانگر دروغ‌پردازی و دروغ‌گویی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه‌اش به عموم مردم آمریکا و توهین به شعور آن‌ها بود. ...

کردارِ ناجوانمردانه و نابخردانه ترامپ و وزیر خارجه‌اش بار دیگر پرسش‌های دیرینه درباره اهمیت اخلاق و جایگاه آن در سیاست به طور کلی و به‌ویژه میزان پایبندی دولتمردان آمریکایی به اصول اخلاقی را برجسته کرد: آیا به‌راستی اخلاق مهم است؟ فضایل و اصول اخلاقی چه جایگاهی در سیاست‌های آمریکا دارند؟ دولتمردان آمریکایی، در سطح ملی و فراملی، برای پاسداشت منافع ملی تا چه حد به اصول اخلاقی پایبند هستند؟ سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تا چه سطح متأثر از داورهای اخلاقی است؟ آیا کردار و کارکرد ترامپ در تاریخ آمریکا پیشینه‌دار است؟ آیا کاربست روش‌های غیراخلاقی برای دستیابی به آماج سیاسی، امر پسندیده‌ای است؟ آیا آمریکا به‌راستی در جایگاهی قرار دارد که اندرزگوی رعایت موازین اخلاقی باشد و برای گسترش آن‌ها در جهان تلاش کند؟ سرانجام، پرسش اصلی و همیشگی این است، آیا به‌راستی هدف وسیله را توجیه می‌کند؟

استاد جوزف نای، نظریه‌پرداز برجسته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، تلاش می‌کند به این پرسش‌های دیرپا و مناقشه‌انگیز، در واپسین نوشته خود با عنوان «آیا اخلاق مهم است؟»، پاسخ دهد. در این راستا، وی کردار و کارکرد ۱۴ رئیس‌جمهور آمریکا را - فرانکلین روزولت تا دونالد ترامپ - بررسی می‌کند. آن‌ها را با موازین اخلاقی مشترک بشری می‌سنجد و نیز جایگاه اخلاق در سیاست خارجی آمریکا را می‌کاود.

هم‌هنگامی پخش کتاب با ترور شهید سلیمانی برای جوزف نای فرصت خوبی فراهم کرد تا وی به‌ویژه درباره کارکرد ترامپ با نگاه به موازین شناخته شده اخلاقی، سنجیده‌تر داورى کند. در این راستا، نای در گفتگوی خود با برنامه فرید زکریا، چهره شناخته شده شبکه خبررسانی سی ان ان، در پاسخ به این پرسش که آیا در رویداد ترور سردار سلیمانی موازین اخلاقی زیرپا گذاشته

## گفت‌مترجم ۷

شد یا خیر؟ گفت: آمریکا با ترور شخصیت بلند پایه کشوری در کشوری دیگر، آن هم هنگامی که آمریکا با آن کشور در حال جنگ نیست، به راستی اصل اخلاقی نهفته در فرمان اجرایی جرال د فُورد را پایمال کرد، اصلی که پس از ویتنام شکل‌های گوناگون تبهکاری را شیوهی غیراخلاقی و ناروا اعلام کرد.

به باور جُوزف نای مشکل ترامپ این بود که همه چیز را بسان بده بستان تجاری از نوع تجارت املاک می‌دید. وی همه چیز را فقط موضوعی کوتاه‌مدت می‌پنداشت. در صورتی که اگر کسی وارد بازی با شرکایی شود که در بلندمدت بارها بخواهند با یکدیگر تبادل و تعامل دوجانبه داشته باشند، ناگزیر نباید تصمیمات کوتاه‌مدت تبادلی بگیرند، بلکه تصمیم‌ها باید بلندمدت و با نگاه به پیامدهای اخلاقی آن گرفته شود. برای نمونه، جُرج شُولتز، وزیر امور خارجه رُونالد ریگان، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، می‌گفت، رویکرد با سیاست خارجی ناگزیر مانند کردار باغبان با باغش است، زیرا باغبان‌ها همواره با اهداف بلندمدت، کشت و کار و درختکاری می‌کنند. ترامپ با چنین نگاهی بیگانه بود. و برای آماج کوتاه‌مدت، هر کاری را روا می‌پنداشت. دروغ‌بافی، دغل‌بازی، فریبکاری ابزارهای وی برای دستیابی به آماج شخصی خود بود. جُوزف نای بارها ترامپ را در سنجش با رؤسای جمهور پیشین آمریکا و همچنین رویکرد وی در پافشاری بر نپذیرفتن نتیجه انتخابات سال ۲۰۲۰ که در آن بازنده تمام عیار بود، نادرست‌ترین، دروغ‌گوترین و بی‌اخلاقی‌ترین دانست و در نوشته‌ای، کاخ سفید ترامپ را کاخ دروغ‌ها نامید. بی‌گمان، جوزف نای برخی از کارکردهای ترامپ را در سنجش با کارکرد همه رؤسای جمهوری پس از جنگ جهانی دوم، بی‌پیشینه نمی‌داند و بر این باور است که کردار هیچ رئیس‌جمهوری به‌درستی اخلاقی نبوده است، اما کارکرد کمتر کسی به اندازه ترامپ غیراخلاقی بوده است. نای در بین ۱۴ رئیس‌جمهوری که در نوشته خود مورد بررسی قرار داده، ترامپ را غیراخلاقی‌ترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا می‌داند. در دیدگاه نای، بسیاری از مردم بر این باورند که اخلاق هیچ نقشی در سیاست خارجی ندارد، کشورها باید ابزار دفاع از خود را فراهم کنند و هنگامی

## ۸ اهمیت اخلاق؟

که اصل بقا در معرض خطر باشد، هدفها، کاربرد انواع گوناگون ابزارها را توجیه می‌کنند. در جایی که گزینش شایسته‌ای وجود نداشته باشد، هیچ التزام اخلاقی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. نای، همچنین می‌افزاید همانطور که فیلسوفان می‌گویند «بایستن مستلزم توانستن است» هیچکس نمی‌تواند کسی را به خاطر انجام ندادن کار ناشدنی گناهکار بداند. با این استدلال، هم‌آمیزی اخلاق و سیاست خارجی از نگاه منطقی نادرست است، مانند اینکه پرسیده شود آیا چاقو، خوب صدا می‌دهد به جای اینکه بپرسیم آیا چاقو، خوب می‌برد یا اینکه آیا جارو به جای جارو کردن، خوب می‌رقصد. بنابراین، در جایگاه داوری درباره سیاست خارجی رئیس جمهور، باید به سادگی از خود بپرسیم که آیا کارکرد او نیک بوده است، نه اینکه بپرسیم آیا کارکرد آن اخلاقی بوده است یا خیر. با چنین نگاهی به مقوله اخلاق و نقش آن در سیاست خارجی، جوزف نای، که افزون بر کرسی استادی دانشگاه، همکاری با وزارت امور خارجه و پنتاگون را نیز در کارنامه خود دارد، سرانجام به این باور می‌رسد که التزامات اخلاقی و جایگاه آن در سیاست خارجی به طور کلی و به‌ویژه در آمریکا مهم‌اند، ولی کردار همه رؤسای جمهور آمریکا نه به‌درستی اخلاقی بوده‌اند و نه غیراخلاقی.

\*\*\*

ترجمه کتاب جوزف نای با پروانه کتبی از وی انجام شده است، هرچند که ناشر آن از پاسخ روشن، به خاطر تحریم‌های جاری آمریکا، سرپیچی کرد. به هر تقدیر، امید است این اثر برای دانشجویان علم سیاست، پژوهشگران روابط ملل و همچنین برای سیاست‌گذاران به هنگام تبیین ارزش‌ها و منافع ملی، و برای سیاستمداران در هنگام پاسداشت از آن‌ها، سودمند باشد.

نکته بغایت مهم این است که کارهای پژوهشی همواره با کم توجهی ناخواسته به حقوق آشکار و پنهان خانواده همراه است. از این رو، بایسته می‌دانم از همسر گرامی، فرزندان عزیزم، امیر، ابراهیم و مهدی که با شکیبایی مثال زدنی خود، ترجمه این اثر را شدنی کردند، همچنین از برادر دینی‌ام جناب آقای دکتر



## گفتِ مترجم ۹

عبدالله نوه ابراهیم، که برانگیزنده من در این کار بوده‌اند، سپاسگزار باشم و با هم‌آوایی آن‌ها این ترجمه را به مرزبانان امنیت قلمرو ارضی و سرزمینی ایران زمین و نیز به تلاشگران عرصه دیپلماسی میهن همیشه جاوید و سربلند، تقدیم می‌کنم.

مجتبی امیری وحید

۱۶ اذر ۱۳۹۹



## دیباچه نویسنده

به هنگام میهمانی شام با گروهی از دوستان، یکی پرسید که به تازگی سرگرم چه کاری هستم؟ هنگامی که گفتم در حال نگارش کتابی درباره رؤسای جمهور، اخلاق و سیاست خارجی می‌باشم، به شوخی گفت: ”چنین کتابی باید بسیار کوتاه باشد.“ دوستی دیگر با آهنگی جدی‌تر افزود: ”نمی‌پنداشتم که اخلاق، نقش خیلی تاثیرگذاری [در سیاست خارجی] داشته باشد.“ این‌گونه پنداشت همگانی، نه فقط سوژه گفتگوهای میهمانی شام، بلکه همچنین گویای تحلیل‌های سیاسی رایج است. جستجوی اینترنتی نشان می‌دهد که شمار کتاب‌های موجود درباره چگونگی تاثیر دیدگاه‌های اخلاقی رؤسای جمهور بر سیاست‌های خارجی آن‌ها و همچنین چگونگی تاثیر آن بر داوری ما درباره آن‌ها، اندک است.<sup>\*</sup> همانطور که مایکل والزا<sup>۱</sup> (که خود استثنایی مهم از این قاعده است)، آموزش دوره تحصیلات تکمیلی آمریکای پسا ۱۹۴۵ را چنین بیان کرده است، ”به طور معمول، استدلال اخلاقی ناسازگار با مقررات [دوره تحصیلات تکمیلی] بود، هر چند که تعداد انگشت شماری نویسنده از این گرایش همچون اصل اخلاقی نوین دفاع کردند.“<sup>(۱)</sup> بررسی سه نشریه ارزشمند دانشگاهی آمریکا در حوزه روابط بین‌الملل در طی پانزده سال گویای آن است که

---

1. Michael Walzer

تنها چهار مقاله در این مورد چاپ شده است، همانطور که یکی از نویسندگان خاطرنشان کرد: "دانشمندان برجسته... توجه جدی به بررسی تاثیر ارزش‌های اخلاقی بر کردار ملت‌ها ندارند." (۲) این موضوع، حتی برای پیشرفت حرفه‌ای پژوهشگران جوان هم، گیرا نیست، اما از دیرباز برای من همچون کاروری کهنه کار و پژوهشگر حوزه سیاست خارجی آمریکا، کُنْجِکاو برانگیز بوده است.

دلایل این شک‌گرایی و بدگمانی، برای بسیاری بدیهی به نظر می‌رسد. در حالیکه مورخان درباره استثنائنگاری و اخلاق‌گرایی آمریکایی<sup>۱</sup> بسیار نوشته‌اند، دیپلمات‌ها و نظریه‌پردازانی چون جورج کِنان<sup>۲</sup> از دیرباز درباره پیامدهای بد سنت اخلاق‌گرایی - قانون‌گرایی آمریکایی<sup>۳</sup> هشدار می‌دادند. (۳) از نگاه آن‌ها، روابط بین‌الملل عرصه هرج و مرج است بدون آنکه برای ایجاد نظم، حکومت جهانی‌ای وجود داشته باشد. [از این‌رو] کشورها باید خودشان از خود دفاع کنند و هنگامی که بقای آن‌ها در معرض خطر باشد، هدف‌ها وسایل را توجیه می‌کنند. در جایی که هیچ‌گونه گزینه معناداری وجود ندارد، هیچ اصل اخلاقی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. همانطور که فلاسفه می‌گویند، "بایستن مستلزم توانستن است."<sup>۴</sup> هیچ کس نمی‌تواند شما را برای انجام ندادن امر ناممکنی، گناهکار بداند. از نگاه چنین منطقی، هم آمیختگی اخلاق و سیاست خارجی مقوله نادرستی است، [زیرا] مانند این است که پرسید آیا چاقو، خوب به نظر می‌رسد به جای اینکه پرسید، آیا چاقو خوب می‌بُرد، یا اینکه، آیا جارو به جای جارو کردن، خوب می‌رقصد. با چنین استدلالی، درهنگام داوری سیاست

- 
1. American exceptionalism and moralism
  2. George Kennan
  3. American moralist—legalist tradition

۴. "Ought implies can." این گزاره مشهور امانوئل کانت است که می‌گوید اگر ما انسان‌ها (به طور خاص کسانی که قادر به تشخیص خوب از بد و تصمیم‌گیری هستند) موظف به انجام عملی اخلاقی هستیم، نخست باید توانایی آن را (یعنی داشتن آزادی و اختیار) داشته باشیم. در واقع، اختیار پیش‌نیاز اخلاق است. در نتیجه، ما در برابر اموری که خارج از حدود مهار و اختیار ما هستند، مسئولیت اخلاقی نداریم. (مترجم)

خارجی رئیس‌جمهور، در حقیقت باید بررسی آیا کارکرد سیاست خارجی او خوب بوده است و نه اینکه بپرسیم اخلاقی بوده است و یا خیر.

گرچه چنین دیدگاهی دارای برخی شایستگی‌هاست، اما با ساده‌انگاری بیش از حد مسائل دشوار، آن‌ها را نادیده می‌گیرد. نبود دولت جهانی به معنای بی‌نظمی جهانی نیست. پاره‌ای از مسائل سیاست خارجی به حفظ بقای ما در قامت یک ملت، سروکار دارد و در عین حال پاره‌ای از آن‌ها نیز هیچ پیوندی به موضوع [حفظ بقا] ندارند. [به طور مثال]، از هنگام جنگ جهانی دوم [بدین سوی] ایالات متحده درگیر جنگ‌های گوناگون بوده است در حالیکه هیچ یک از آن جنگ‌ها بایسته حفظ بقا نبوده‌اند. (۴) از سویی، بسیاری از گزینه‌های مهم سیاست خارجی درباره مسائلی چون حقوق بشر یا تغییرات آب و هوا یا آزادی اینترنت است که در اصل، سرانجام آن‌ها جنگ نیست. در حقیقت، بیشتر مسائل مربوط به سیاست خارجی در برگیرنده بده و بستان میان ارزش‌هایی است که بایسته وجود گزینه‌هاست، و نه کاربست قاعده انعطاف‌ناپذیر پافشاری بر مدار منافع و مصالح ملی‌ای که دولت‌ها آن‌ها را تعریف می‌کنند. زمانی یکی از مقام‌های بدگمان فرانسوی به من گفت، ”من کردار نیک [خیر] را آن چیزی تعریف می‌کنم که برای منافع فرانسه نیک [خیر] باشد. التزامات اخلاقی مقوله‌ای بی‌سر و ته هستند.“ این‌گونه می‌نمود که خود، آگاه نبود که سخن‌اش نوعی داوری اخلاقی بود. اینکه گفته شود همه کشورها در جهت تأمین منافع ملی خود تلاش می‌کنند، امری بدیهی و یا در بهترین شکل [درست‌انگاری] چندان مهمی نیست. [در این زمینه] مسأله شایان اهمیت این است که رهبران، منافع ملی و پیشبرد آن را بر حسب شرایط گوناگون، چگونه تعریف می‌کنند.

افزون بر آن، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، آمریکایی‌ها پیوسته درباره رؤسای جمهور و سیاست خارجی آن‌ها، داوری اخلاقی می‌کنند. روی کار آمدن دولت ترامپ گرایش به آنچه که سیاست خارجی اخلاقی خوانده می‌شود، جانی دوباره بخشید و آن را از موضوعی نظری به سر صفحه روزنامه‌ها کشاند. از باب مثال، پس از کشته شدن جمال خاشقجی<sup>۱</sup>، روزنامه نگار مخالف سعودی

---

1. Jamal Khashoggi

در سال ۲۰۱۸ در کنسولگری عربستان سعودی در استانبول، رئیس‌جمهور ترامپ آماج نکوهش قرار گرفت زیرا وی شواهد روشنی را که بر وقوع جنایتی وحشیانه دلالت می‌کرد، به خاطر نگهداری روابط خوب با ولیعهد عربستان، نادیده گرفته بود. لیبرال‌ها گزاره ترامپ درباره خاشقچی را «کارسبکاری ظالمانه، نادیده گرفتن واقعیت‌ها» توصیف کردند، (۵) ضمن آنکه محافظه‌کاران هم در سرمقاله‌ای نوشتند «ما هیچ رئیس‌جمهوری را در تاریخ آمریکا سراغ نداریم که مشابه چنین گزاره‌ای منتشر کرده باشد که در آن اندک توجهی به ارزش‌ها و اصول ماندگار آمریکا نشده است، حتی عمل‌گرایان ظالم و بی‌رحمی نظیر ریچارد نیکسون یا لیندون جانسون». (۶) مواردی چون دسترسی به نفت، فروش جنگ افزارهای نظامی و پایداری منطقه‌ای همه جزو منافع ملی آمریکا به‌شمار می‌روند، با این حال، ارزش‌ها و اصولی هم وجود دارند که برای دیگران جذابیت دارند و در عین حال منافع ملی ما محسوب می‌شوند. بنابراین، [مسئله این است که] چگونه می‌توان آن‌ها را [در عین تناقض] با هم آمیخت؟

شوربختانه، بسیاری از داوری‌هایی که پیرامون اخلاق و سیاست خارجی معاصر آمریکا صورت می‌گیرد، سطحی و نامنظم و یا تهی از اندیشه ژرف می‌باشند و از سوی دیگر، بیشتر بحث‌ها و مناظره‌های کنونی بر ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ متمرکز است. همانطور که مگی هابرمَن<sup>۱</sup>، خبرنگار کهنه کار، یک وقتی به من گفت «دونالد ترامپ، منحصر به فرد نیست، او [فرد] افراطی است.» همانطور که ما در بازنگری کارنامه همه رؤسای جمهور خود در دوران پسا جنگ جهانی دوم خواهیم دید، پاره‌ای از کردارهای ترامپ پیشینه‌دار است. حتی نکته مهمتر اینکه، آمریکایی‌ها درباره معیارهایی که شالوده داوری سیاست خارجی اخلاقی می‌باشند، بندرت آگاه‌اند. ما رئیس‌جمهوری چون رونالد ریگان را به علت وجود شفافیت اخلاقی در گفت‌وگوهای ما ستاییم، گویی لفاظی‌هایی با نیت خوب، برای داوری‌های اخلاقی کافی‌اند. هر چند وُدرُو ویلسون و جُورج دبلیو بوش نشان دادند که نیت خوب بدون داشتن ابزارهای

---

1. Remorselessly transactional  
2. Maggie Haberman

کافی برای دست یافتن به آنها، می‌تواند به پیامدهایی منجر شود که از نظر اخلاقی بد و نامناسب‌اند، در این زمینه می‌توان به شکست پیمان ورسای ویلسون یا یورش بوش به عراق اشاره کرد. یا اینکه ما درباره رئیس‌جمهور فقط بر پایه کارنامه دستاوردهایش، داوری می‌کنیم. شماری از ارزیابان، ریچارد نیکسون را به سبب خاتمه بخشیدن به جنگ ویتنام، می‌ستایند، در حالیکه وی برای ایجاد «وقفه آبرومندانه»<sup>۱</sup> در روند درگیری با ویتنامی‌ها، تعداد ۲۱۰۰۰ آمریکایی را به کشتن داد. حال آنکه پست‌روشن شد که آن مکشی زود گذر در مسیر شکست [نیروهای آمریکایی در ویتنام] بود.

همانطور که در این کتاب خواهیم گفت، استدلال اخلاقی نیک، باید سه بُعد داشته باشد، برقراری توزین و تعادل بین نیت، ابزارها، و پیامدهای تصمیمات رؤسای جمهور. سیاست خارجی اخلاقی فقط بر شالوده نیت در برابر پیامدهای مربوط به آن ارزیابی نمی‌شود بلکه باید هر دو و همچنین ابزارهای بکاربرده شده را نیز در برگیرد. افزون بر آن، استدلال اخلاقی نیک، باید در برگزیده پیامدهای کنش‌های کلی، نظیر نگهداری از نظم نهادی که انگیزان منافع اخلاقی است، و همچنین کنش‌های ویژه‌ای باشد که به لحاظ خبری پراهمیت‌اند، نظیر پشتیبانی از فردی ناراضی از نقض حقوق بشری یا اعضا گروه دگراندیشی که در کشوری دیگر مورد آزار و اذیت‌اند. و همچنین مهم است که این روند پیامدهای اخلاقی «ناکنش‌ها»<sup>۲</sup> را نیز فرا بگیرد، نظیر کردار رئیس‌جمهور ترومن در جنگ با کره که به جای پیروی از پیشنهادهای ژنرال مک

---

۱. Decent interval افزایش مخالفت داخلی با جنگ ویتنام، ایالات متحده را وادار کرد که خروج نیروهایش را تسریع و کمک نظامی‌اش را به نیروهای ویتنام جنوبی محدود کند. واشنگتن در هنگام پیمان صلح پاریس در سال ۱۹۷۳، بیشتر در پی خروج آبرومندانه بود: آزادی سربازان اسیرشده ایالات متحده و چانه‌زنی برای «مکث آبرومندانه» بین خروج ایالات متحده و فروپاشی رژیم ویتنام جنوبی که دو سال بعد اتفاق افتاد. مکث آبرومندانه، در واقع ایجاد زمان کافی میان خروج آمریکا و سقوط ناگزیر سایگون بود تا به پشتوانه سیاسی نیکسون در داخل صدمه‌ای وارد نشود. (مترجم)

آرتور<sup>۱</sup> مبنی بر کاربست جنگ افزارهای هسته‌ای، به پذیرش بن بست و [در نتیجه] مجازات سیاسی داخلی [در آمریکا] تن داد. شِرلُوک هِلْمز<sup>۲</sup> جمله پرآوازه‌ای دارد که می‌گوید، ما می‌توانیم از سگ‌هایی که پارس نمی‌کنند خیلی چیزها بیاموزیم.

این نوشته، کتاب تاریخ نیست. در گزارش جنبه‌های اخلاقی سیاست‌های خارجی رؤسای جمهور پسا جنگ جهانی دوم، مدعی نیستم که کاری بی‌کم و کاست ارائه کرده و یا به تمام پس‌گشت‌نامه‌ها مراجعه کرده‌ام. همچنین تلاش نکردم که سده‌های نخستین سیاست خارجی آمریکا را پوشش دهم. آنچه در اینجا ارائه می‌کنم تمرین ذهنی است در اندیشه‌های هنجاری که دوره‌ی پس از سال ۱۹۴۵ را پوشش می‌دهد که در آن هنگام، ایالات متحده قدرتمندترین کشور جهان بوده است - که به آن گهگاه، عصر صلح آمریکایی<sup>۳</sup> یا نظم لیبرال جهانی گفته می‌شود. آن دوران، به گمان بسیاری از گزاره‌گران، روبه پایان است و برای رویارویی با چالش‌های نوپایی که در بخش پایانی [کتاب] توصیف خواهم کرد، به تدوین سیاست‌های خارجی نوین نیاز خواهد بود. هنگامی که ما پیرامون چنین سیاست‌هایی بحث می‌کنیم، اخلاق بخشی از استدلال‌هایی خواهد بود که از آن بهره‌مند خواهیم شد. وانمود به اینکه در این سیاست‌ها، مقوله اخلاق نقشی نخواهد داشت به همان اندازه تاریک اندیشانه است که گویی فردا خورشید طلوع نخواهد کرد. از آنجا که ما می‌خواهیم از استدلال اخلاقی در حوزه سیاست خارجی بهره‌مند شویم، باید بیاموزیم که آن را به شیوه‌ای بهتر انجام دهیم. در این راستا، واکاوی و ارائه کارنامه امتیازدهی [به کردار رؤسای جمهور عصر پسا ۱۹۴۵] گام‌های بی‌پیرایه‌ای است که این کتاب به آن پرداخته است.

\*\*\*

- 
1. General MacArthur
  2. Sherlock Holmes
  3. Pax Americana



دبیاچه نویسنده ۱۷

\*من واژه‌های "اصول اخلاق"<sup>۱</sup> و "اخلاقیات"<sup>۲</sup> را جابجا استفاده می‌کنم تا به داوری‌های درست و نادرست اشاره کنم. اخلاق، اصول انتزاعی است که بر رفتار درست دلالت می‌کند، در حالی که اخلاقیات، بیشتر به داوری‌های شخصی اشاره دارد که چه بسا بر پایه اصول اخلاقی رسمی یا وجدان شخصی استوار باشد.

- 
1. Ethics
  2. Morals